

ایشان را نیز آماج خود گرفته است. رچنین است که، چند هفته پیش، تن بی جان ابراهیم زلزاده، مدیر انتشارات "بامداد" و "آشکار"، را، با سینه بردریده به ضرب کارد، در بیابانهای اطراف تهران پیدا می کنند و نزدیکان او را هفته ها را می دارند به دم برنیارودن و هیچ نگفتن از آنچه با او رفته است. کناه این قربانی ی آزاداندیشی و آزادگی ی فرهنگی چه بوده است؟ هیچ، جز این، همین، که، هم در ایران و هم در اروپا، همچنان در نشر بهترین دستاوردهای شعر و ادب امروزین ایران کوشا و پیکیر بوده است و، به روزگاری که شمشیزی "غم نان" را نیز بر دیگر رنج های روزانه بزرگترین شاعران و نویسندگان ما افزوده است، او از یاری رساندن به ایشان هیچ دریغ نمی ورزیده است.

تصویر و تصور ما از آنچه، زیر عبای شیخ، بر فرهنگ ایران می گذرد ناقص و حتا نادرست و کمراه کننده خواهد بود اگر بیندازیم، یا رانمود کنیم، که تنها شاعران و نویسندگان و پژوهشگران و روزنامه نگاران و کتابفروشان و ناشران دگراندیش اند که آماج های ابلغار و یورش ضدفرهنگی ی ملایان اند. فرمانفرمایان شمشیزی تنها "سخن" را نیست که سرسپرده خود می خواهند. اندیشه، به طور کلی، باید یا نباشد یا، تا هست و مرجا هست، در خدمت ایشان باشد. نقش و رنگ و تصویر و نور و صدا نیز، همه، به ارشاد اسلامی است که "مکرره" یا حتا "حرام" نخواهد بود. آخوند همه چیز را، با هم و یکجا، می خواهد. همه اقلیت های مذهبی و قومی و فرهنگی، همه روشنفکران و اندیشمندان، همه نقاشان، همه دست اندرکاران سینما و تئاتر، همه موسیقی دانان، نوازندگان و خوانندگان - همچنان که همه مردم - باید از هرگونه چون و چرا کردن در هر زمینه ای بکفروند و بر آستان جلال "رهبر مسلمین" و برگزیدگان او سر تسلیم فرو نهند. از ریشه "تسلیم بودن" اسلام، در برداشت "ولایت مطلقه فقیه"، یعنی همین.

در ایران ملازده کنونی، بدینسان، نه تنها شاعران و نویسندگان دگراندیش، بل، همه دگراندیشان، در همه زمینه های آئینی، اندیشگی، اجتماعی، فرهنگی و هنری اند، که از "آزادی ی اندیشه و بیان" که هیچ، از هیچ حقی در هیچ زمینه ای برخوردار نیستند؛ و همین که اجازه می یابند، در "مملکت اسلامی"، نفس بکشند از سرشان هم زیاد است و، پس، برایشان است تا با هر دمی شکری ر با هر بازدمی باز هم شکری نتار "ولی فقیه" کنند که هنوز فتوای به درک واصل کردن شان را امضاء فرموده است.

همه آزادی های انسانی ست، بدینسان، و نه تنها "آزادی ی اندیشه و بیان"، که در ایران کنونی پایمال ستورساران قدرت "ولایت مطلقه فقیه" می شود.

"آزادی ی اندیشه و بیان برای همه گروه های فکری و عقیدتی بی هیچ حصر و استثنا"، می توان گفت، اصل و - نیز - آرمان کانون نویسندگان ایران در ایران است. آشکار باید باشد، اما، که این اصل، در شرایط کنونی و برای کانون نویسندگان ایران در تبعید، جز آرماتی دردست نمی تواند

باشد . حالیا ، سخن بر سر حق زنده ماندن است و به زندان های غيرقانونی نيفتادن و شکنجه نشدن و روان شکسته و بيزار از خود ، به تلویزیون کشانده نشدن و کرسته نماندن و حقوقی "پيش پا افتاده تر از اينها

و در راه بازستاندن همین حقوق از "ولایت مطلقه فقیه" است ، بدینسان ، که کانون نویسندهگان ایران در تبعید می باید ، تا آنجا که می تواند ، به همدردان دگراندیش خود در ایران - از هر "گروه فکری و عقیدتی" که باشند و بی "بی هیچ حصر و استثناء" - یاری رساند .

و چنین است که کانون نویسندهگان ایران ( در تبعید ) ، به خواست و سفارش اعضاء خود در نشست همگانی ی امساله ، امسال را "سال همبستگی با دگراندیشان در جمهوری اسلامی" اعلام می دارد .

نه تنها آزادی و حیثیت ، بل ، که جان دگراندیشان شناخته شده در ایران ملازمه پیوسته در خطر است . ما ، در سراسر این غربت پهناور ، از همه هم میهنان آزاده خویش و از همه نهادها - سازمان ها - حزب ها و شخصیت های آزادیخواه جهان ، به نام آزادی و انسانیت و فرهنگ و شرف ، می خواهیم تا به پا خیزند و نگذارند حیثیت انسانی و جان دگراندیشان ایران بیش از این بازیچه خداسالاران جنایتکار و خونخوار و انسانیت ستیزی باشد که بودن شان بر زمین ، خود ، ناسزانی ست به خدا ، به دینداری ، به اخلاق ، به زیبایی ، به هنر ، به فرهنگ و به تمدن و به تاریخ پیشرونده انسان .

هم میهنان آزاده و آزادیخواهان جهان !

غریب در فریاد ما افکنید و رسوا کنید ، رسوا تر کنید ، سیاه اندیشان سیاهکاری را که ، در واپسگرانی ی دینوسوری و درمان ناپذیر خود ، اگر بتوانند ، نه تنها ایران ، بل ، که سراسر جهان انسانیت را باز می گردانند به پیشتاریخ دلخواهشان ، به دقیانوس آرمانی خویش در سال صفر .

کانون نویسندهگان ایران ( در تبعید )

سی ام فروردین ۱۳۷۶

## معرفی کتاب‌های رسیده

۱- احمد ابراهیمی

خواب (مجموعه شعر - دو زبان)

ترجمه شعرها به سوندی: سهراب مازندرانی - استغان اکه سون

ناشر: نشریه رویا. سونا: ۱۹۹۶

Roya

Box 1681

22101 Lund - Sweden

این هم تکه‌ای کوتاه از یک شعر بلند همین مجموعه:

چشمداشت آس عشق بیست و یک بهار

در آس ویاس کوچ چلچله از زمستانی بی وقار؟

۲- بهنام باوندپور

بدون مصرع اول (مجموعه شعر)

چاپ اول ۱۹۹۶. نشر باران

بهنام باوندپور، شاعر و مترجم جست‌وجوگری است که پیشتر «تنها جرعه‌ای قهوه تلخ» را به گزینش و ترجمه او از شعر زنان روسیه خوانده بودیم. این هم تکه‌ای از یک شعر بلند او به نام «به کوتوال»: رخت‌خوابت را مرتب کن / بر بالشت مشتی مهربان بکوب / گوش بده به پرنده‌ای که اش نمی‌شنوی / شب / آرام شو با شراب / دستانت را صلیب وار بگشای / و بگذار بیایند.

۳- بهروز به نژاد

دیوار چهارم - نمایشنامه

ناشر: دوستان نویسنده. چاپ اول ۱۹۹۵

دیوار چهارم درباره زن هنرمندی است که از ایران گریخته و در اتاقش برابر دوربین فیلمبرداری داستانی از یادرفته را بازگو می‌کند. داستانی ساده و دردناک که حکایت

همه ماست. همه آن‌هایی که از جهنم - جایی که رژیم اسلامی ساخته است گریخته‌اند.

۴- بهرام حیدری

عقرب‌ها، آهوها، عقاب‌ها (یک داستان بلند)

چاپ اول ۱۹۹۶ : انتشارات افسانه

بهرام حیدری نویسنده‌ای آشنا برای همه ماست. او که در داستان‌های کوتاه‌اش در سالهای چهل خوش درخشید، و در مجموعه داستان‌های «لالی» زبانی مستقل یافت. پس از بیرون آمدنش از ایران و پذیرش تبعیدی ناخواسته، کار داستان‌نویسی‌اش را پیگیرانه ادامه داد. «عقرب‌ها ...» که برخاسته از تجربه مستقیم او از زندان جمهوری اسلامی است، کاری است سترگ از این داستان‌نویس ارجمند میهن‌مان. در این داستان بلند، حیدری از برخاستن و زجرکشیدن نسلی می‌گوید که به نقل یکی از شخصیت‌های داستان: «قلیشان مالمال از مهر است».

۵- بهرام حیدری

کوه ساکن اجساد، رود جاری انسان (مجموعه داستان)

چاپ اول انتشارات افسانه. ۱۹۹۶

این کتاب مجموعه پنج داستان است درباره زندان. نشر روان‌نگاه شاهدانه‌ی راوی در تعقیب ماجرا در کارهای بهرام حیدری ویژگی خاصی دارد.

۶- اسماعیل خوبی

غزلقصیده آغوش عشق و چهره زیبای مرگ

چاپ نخست. ژانویه ۱۹۹۷

نشر از گاهنامه ویژه شعر.

خوبی، شاعر نامدار معاصر ما، این بار در «غزلقصیده آغوش ...» به هنگام عبور از راهروهای یاد و خاطره‌های چهره‌های آشنا و گوش هوش سپرده به صدا و سرود تنی چند از آنان، از زخم درونش "معنایی ژرف از زندگانی" می‌سازد:

پیرانه سر، / اما، / اگر / روشنگر والای عشقت / بر من نمی‌تابید، / می‌مردم و /

ازمن نهان می ماند / جاوید / معنای ژرف زندگانی.

۷- شهرز رشید

سوره ی گل سرخ (مجموعه شعر)

چاپ اول ۱۳۷۵ - ناشر سراینده

سوره گل سرخ، خواندنی و دلنشین است؛ می توانم پنج خاطره را مرور کنم / و شعری برای تسلای زخم هایم بسرایم /

۸- بهمن سقایی

خانم بهاریان (رمان)

چاپ اول ۱۹۹۷ چاپ دوم ۱۳۸۱. انتشارات آرش.

داستان پیرامون چهره زنی می گردد که در شب عروسی اش کشته شده است؟! راوی و نویسنده با تعقیب پرونده او در آمیزه ای از خیال و واقعیت که گاه به طنز پهلوی می زند، ماجرا را تعقیب می کنند. نثر رمان روان و شیواست و تعلیق داستان جذابیت خاصی به کاربخشیده است.

۹- بتول عزیزپور

ماه در کابین

دفتر شعر، گزینه ۶۸-۱۳۵۸

چاپ اول ۱۹۹۶. چاپخانه مرتضوی کلن

در شعر بلند «ماه در کابین» آمده است: زن نشسته است و کودک رودخانه پستانش را / چون زمین تشنه می مکد. /

۱۰- بتول عزیزپور

سرزمین مات. دفتر شعر. چاپ اول ۱۹۹۶

چاپ اول: چاپخانه مرتضوی، کلن.

از بتول عزیزپور، پیشتر ما: خواب لیلی و «شعرآزادی» را در وطن خوانده ایم. مجموعه حاضر، چهره تازه ای از این شاعر نشان می دهد. شاعری که از ویژگی کار او، زبان مستقل و تصویرهای ساده و امپرسیونیستی اوست.

پرده را کنار بزن / من پشت دریچه گم شده‌ام.

۱۰- ستار نقایی

مجموعه چهار قصه

ناشر: نشر کتاب. چاپ اول ۱۹۹۷

نشانی: Nashr-e Ketab Corp.

1413 Westwood BLVD

L.A. CA 90024 U.S.A.

زبان داستان‌ها ساده و روان است و به نقل از نویسنده، این‌ها قصه‌هایی است که زمانی آنها را برای پسرش در کودکی نقل می‌کرده و حالا برای ما یا برای اوی بزرگ شده روی کاغذ آورده است.

۱۱- رضا مقصدی

با آینه دوباره مدارا کن. مجموعه شعر.

چاپ اول. انتشارات فرهنگ فرانسه - کانادا

رضا مقصدی برای خوانندگان نامی آشناست. در شعرهای او صدای نسلی که سختی‌ها کشیده و بار اندوهی بس سنگین بر جان و روح دارد شنیده میشود: با من نگفت هیچکس، کی، در کدام وقت / داس سترگ مرگ / بر ساقه‌های سبز، گذر کرد.

۱۲- حسین نوش آذر

سر سفره خویشان (مجموعه داستان)

چاپ اول ۱۹۹۶

نشر باران

از حسین نوش آذر، یک داستان بلند به نام: «اجاره نشین بیگانه» و دو مجموعه داستان چاپ شده است. در این مجموعه تازه، که مجموعه‌ای است از داستان‌های کوتاه و حکایت‌های کوتاه، نوش آذر به درگیری روزمره مایی که در غربت زندگی می‌کنیم، می‌پردازد.

۱۳ مهرانگیز رساپور (م. پگاه)

... و سپس آفتاب - رباعی و غزل.

چاپ نخست : خرداد ۱۳۷۵

ناشر: مرکز کتاب - لندن

Book Centre Ltd.

7 Thackeray Street

Kensington London W8 Set

از مهرانگیز رساپور (م. پگاه) پیشتر مجموعه شعر «جرقه زود می میرد» را خوانده ایم. پگاه هم در قالب های کلاسیک کار می کند و هم در قالب های امروز. از ویژگی های کارهای او طنزی است که شیرینی خاصی به شعرهای او می بخشد. این هم یک نمونه از طنز رباعی های او در این کتاب :

خواهم که زخم شانه به گیسوی غزل      چین برکشم از میان ابروی غزل  
چون چاقوی جراح پلاستیک مدرن      یکباره جوان کنم بر و روی غزل

۱۴ - زیبا کرباسی

کژدم در بالش : مجموعه شعر

چاپ نخست : خرداد ۱۳۷۶

ناشر: انتشارات مرکز کتاب

کژدم در بالش نخستین مجموعه شعر زیبا کرباسی است. اسماعیل خویی در پیشگفتاری براین مجموعه نوشته است: خوشبختانه (شاعر) از آنانی نیست که هنوز هیچ نشده می خواهند سبک ویژه خود را داشته باشند. تو می سرایید، بی آن که زور بزندی. گیر می سرایید، بی آن که ادا در بیاورد. در ادامه می نویسد: خود را نارس و ناپرداخته می بیند و این خوب است. این هم شعر خوب و بسیار کوتاهی از این مجموعه :

گذشتنت از من / گذر آتش است در کاه / تو می گفتری و / من ... / آه /







**DAFTARHAYE KANOON**  
**IRANIAN WRITERS' ASSOCIATION**  
**(IN EXILE)**

No. 8

Postbus 9578  
3506 GN Utrecht  
The Netherlands